

تبیین الگوی شناختی گردشگری روستایی با رویکرد منظر

مرتضی همتی*

پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۵

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۱

چکیده | روستا، محصول امتزاج عناصر طبیعی و مصنوع بر پایه معیشت است و از فرهنگی یکپارچه تبعیت می‌کند. شکل‌گیری ارگانیک خانه‌های روستایی با مصالح بوم‌آورد، در هر پهنه از جغرافیای ایران منجر به شکل‌گیری گسترده وسیعی از مناظر روستایی از جنوب تا شمال و شرق تا غرب شده است، به گونه‌ای که می‌توان برای هر یک ویژگی‌های متمایزی برشمرد که منجر به شناخت و ادراکی متفاوت از دیگری می‌شود. فرهنگ به عنوان مؤلفه‌ای غیرفیزیکی، با ایجاد تأثیرات فیزیکی در روستا، منجر به تنوع گسترده منظر روستا می‌شود. همچنین جغرافیای متنوع مانند پوشش گیاهی، جانوری و آب‌وهوا، تأثیر مستقیم بر شیوه زندگی روستاییان و سرزمین داشته و شکل منحصربه‌فردی از «منظر روستایی» را به وجود می‌آورند. اقتصاد گردشگری به عنوان مفهومی نوین در پایداری و گسترش روستاها، امروزه به یکی از مهم‌ترین مباحث مرتبط با مفهوم روستا بدل شده است. گردشگری روستایی با خوانش و تعمیق در فرایندهای منظر روستایی، به انتقال و گسترش تجربیات ادراکی ساکنین روستا به گردشگران، کمک می‌کند. این نوشتار درصدد است با معرفی وجوه متفاوت مفهوم روستا، به تبیین منظر روستایی - به عنوان نقطه اتصال طبیعت و زندگی اجتماعی - از نگاه گردشگری پرداخته و با ارائه الگویی شناختی، مهم‌ترین مؤلفه‌ها در شناخت گردشگری روستایی جهت آشنایی گردشگران را تعیین نماید.

واژگان کلیدی | روستا، منظر روستا، گردشگری روستایی، طبیعت، فرهنگ.

مقدمه | انسان شهرنشین با دخالت‌های زیان‌بار و دگرگونی محیط زیست خود، فضای ناخوشایندی در محیط‌های شهری ایجاد کرده است. تحولاتی که موجب شده شهرهای امروز مملو از عناصر مصنوع و انسان‌ساخت شوند و بیش از هر زمان، زندگی در این شهرها از «طبیعت» دور باشد. اگرچه در قرن اخیر با ساخت پارک‌های عظیم شهری، بشر «به‌طور مصنوعی» تلاش‌هایی برای جبران این فقدان صورت داد، اما میل به لمس بی‌واسطه «طبیعت طبیعی» موجب شد تا در اواسط قرن حاضر، برای فرار از هیبت مصنوع شهرها، سر به کوه و دشت و طبیعت بزند. به همین روی امروزه گردشگری به جریان مستمری بدل شده که می‌تواند انسان را از جریان پرتلاطم شهر خودساخته خویش دور کرده و برای زمانی کوتاه

میل ذاتی وی را در اتصال به طبیعت اغنا کند. بی‌دلیل نیست که گردشگری و اقتصاد گردشگری در حال تبدیل شدن به یکی از ارکان اصلی اقتصاد تجاری جهان است. زیرا گردشگری قادر است انسان را به طبیعت مطلوبش متصل کرده و به عنوان صنعتی سبز، نقش ویژه‌ای در توسعه پایدار محیط‌های طبیعی ایفا کند. بنابراین صنعت گردشگری فرایند تلفیق یافته‌ای از فضای فیزیکی و جامعه انسانی است که اشکال جدید آن نتیجه تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های زندگی انسان، تکنولوژی پیشرفته، رشد انفجارگونه اطلاعات و نیروهای سیاسی است. صنعت گردشگری با ماهیتی چندبعدی، علاوه بر تأمین نیاز گردشگران، باعث تغییرات عمده در سیستم جامعه میزبان می‌شود (خاتون‌آبادی و راست‌قلم، ۱۳۹۰، ۳۳۰). این تغییرات اگرچه به عنوان عاملی بیرونی می‌تواند تهدیدی برای جامعه روستایی باشد، اما در صورت مدیریت، قابل تبدیل به مؤلفه‌ای

* hemmati.m@ut.ac.ir، ۰۹۱۲۰۷۰۴۳۲۹

پایدار در حفظ و توسعه منظر روستا است. اکنون با توجه به اهمیت گردشگری روستایی که بررسی شد، سؤالات مهمی مدنظر است. چه ابعادی از روستا جهت فهم منظر روستایی مفید است؟ نگرش منظر به روستا چیست و چگونه از طریق این نگرش، منظر روستا بررسی و ارزیابی می‌شود؟ در این نوشتار ابتدا مفهوم گردشگری روستایی معرفی شده و اهمیت آن تبیین می‌شود. سپس منظر روستایی و مؤلفه‌های سازنده آن و همچنین معیارهای شناختی این‌گونه منظر جهت دستیابی به الگویی شناختی از گردشگری روستایی ارائه می‌شود.

روش‌شناسی

این پژوهش، با هدف تبیین الگوی شناختی گردشگری روستایی، با روشی کیفی و با اتکا به داده‌های کتابخانه‌ای، ابتدا به تبیین مفهوم گردشگری روستایی از دیدگاه صاحب‌نظران متعدد می‌پردازد، سپس با توجه به اتخاذ رویکرد منظر در نگرش به موضوع، مؤلفه‌های شناختی روستا را از این دیدگاه معرفی و تبیین می‌کند. از آنجا که هدف از اتخاذ رویکرد منظر درک سرگذشت و فرایندهایی است که منظر روستایی را به آینده هدایت می‌کند، پس از آن مؤلفه‌های معرفی‌شده تشریح و به بحث گذارده می‌شوند و منظر روستا و سرگذشت‌ها و فرایندهای آن تحلیل می‌شود. در انتها با طبقه‌بندی و سنتز داده‌هایی که از مؤلفه‌ها به دست آمده، الگویی برای شناسایی گردشگری روستایی از دیدگاه منظر ارائه می‌شود.

گردشگری روستایی

یکی از انواع گردشگری، گردشگری روستایی است. اگرچه قدمت این‌گونه گردشگری را نمی‌توان به‌طور دقیق تعیین کرد ولی می‌توان با اطمینان بیان نمود که گردشگری روستایی از حدود دهه ۱۹۵۰ میلادی به‌طور جدی گسترش یافت، اما بدل شدن آن به جریان اقتصادی نظام‌مند را می‌توان محصول دو دهه بعد دانست. به‌طوری‌که توسعه اقتصاد روستایی برای کشاورزان و جوامع محلی به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفت (عطازاده و محمودی زرنیدی، ۱۳۹۶، ۲۰). چنانکه آورده شد، گردشگری روستایی به دلیل ارتباط بی‌واسطه آن با طبیعت، برای ساکنین شهرهای ماشینی امروزی جذابیت وافر داشته و تبدیل به گزینه مورد علاقه طیف وسیعی از گردشگران شده است (Villanueva-Álvaro, Mondéjar-Jiménez & Sáez-Martínez, 2017, 1). همچنین اقتصاد حاصل از گردشگری روستایی نیز به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه کشورها قرار گرفته است، به‌طوری‌که این امر رقابتی در سطح جهان ایجاد کرده است (Adeyinka-Ojo, Khoo-Lattimorea & Nair, 2014, 151). از طرفی گردشگری روستایی با ایجاد اشتغال و درآمد، به پویایی اقتصاد روستایی کمک کرده و از حجم مهاجرت به

شهرها می‌کاهد. در کشورهای در حال توسعه از گردشگری روستایی به عنوان مکمل کارکردهای اصلی فضای روستایی، جهت ساماندهی، آمایش و پراکنش مناسب امکانات و خدمات در روستاهای هدف گردشگری استفاده می‌شود (خاتون‌آبادی و راست‌قلم، ۱۳۹۰، ۳۳۱). بنابر نظر بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی، توسعه گردشگری راه‌حلی برای بسیاری از مسائل و مشکلات اقتصادی پیش روی روستاییان است (انوری، بلوچی و هاشم‌زهی، ۱۳۹۱، ۸۷). بنابراین، گردشگری روستایی مسیری جدید در حرکت به سوی احیا، حفاظت و توسعه مناطق روستایی محسوب می‌شود. تاکنون تعاریف متعددی از گردشگری روستایی آورده شده که تفاوت‌هایی در بیان موضوع با یکدیگر دارند. شریف‌زاده و مرادنژادی (۱۳۸۱، ۵۴) گردشگری روستایی را چنین تعریف می‌کنند: «گردشگری روستایی، دربرگیرنده دامنه‌ای از فعالیت‌ها و خدمات مربوط به تفرج گردشگران است که توسط مردم روستایی برای جذب آنان به مناطق خود به منظور کسب درآمد صورت می‌گیرد که به تبع آن خدماتی نظیر اسکان، پذیرایی، امکانات و وسایل سرگرمی و تفریح، برپایی جشن‌ها و مراسم محلی، تولید و فروش صنایع دستی و محصولات کشاورزی و غیره به گردشگران ارائه می‌شود». داشپیر (Dashper, 2014, 5) نیز گردشگری روستایی را یک ساخت فعال اجتماعی می‌داند که توسط ذی‌نفعان به‌طور مداوم تحول می‌یابد و نشانگر تأثیر مکان، فرهنگ و اعمالی است که در بستر آن صورت می‌گیرد. برخی تعاریف، مکان‌محور هستند و تأکید بر مکان روستا دارند. برای مثال در تعریف اتحادیه اروپا، گردشگری روستایی به تمام فعالیت‌های گردشگری که در «مناطق روستایی» روی می‌دهد، اطلاق شده است. همچنین برخی پژوهشگران هویت تعریف گردشگری روستایی را در تمایز با گردشگری شهری بیان کرده‌اند: «گردشگری روستایی از نظر نوع تجربه، استفاده از منابع طبیعی، تعامل با افراد محلی و توسعه زیرساخت‌ها از گردشگری شهری متمایز است» (Ayazlar & Ayazlar, 2015, 168). همچنین «سلطانی مقدس» معتقد است: «گردشگری روستایی نوع جدیدی از فعالیت است که با مراکز کوچک و پراکنده‌ای که در حومه شهر واقع شده قابل تعریف است» (Soltani Moqadas, 2018, 63). اما تعاریف دیگری براساس غلبه فعالیت اراضی شکل گرفته‌اند و ممکن است الزاماً در محدوده روستایی به‌طور کلاسیک قرار نگیرند. برای نمونه یک تعریف، گردشگری روستایی را «فعالیت‌های گوناگون گردشگری در محیط خارج از شهر که در کاربری اراضی آن حرفه کشاورزی، جنگل‌ها و مناطق طبیعی غلبه دارد» (Kostas, 2002, 10) می‌خواند. بنابراین در جمع‌بندی می‌توان گفت، گردشگری روستایی شامل هر نوع فعالیت تفریحی و گذرانیدن اوقات فراغت است، با دریافت خدماتی از

و حتی چگونگی استقرار و جایگاه هر خانواده یا گروه در کل مجموعه یا اجتماع روستایی است» دانست (راهب، ۱۳۸۴، ۱۱۱).
باین حال، ویژگی‌های فوق، نمایانگر وجه کالبدی و فیزیکی روستاست و منظر روستا به عنوان مفهومی ادغام‌شده از عینیات و ذهنیات، شامل مفاهیمی گسترده‌تر است. منظر روستایی را می‌توان نتیجه سیر اندیشه ساکنین و متأثر از عوامل فرهنگی و کالبدی روستا دانست. هر روستا دارای محیط جغرافیایی ویژه‌ای است که در ارتباط با فرایند زیستن، هویت یافته و این هویت در مؤلفه‌های آن متبلور می‌شود. منظر روستایی برخلاف اقتصاد مصرفی شهر، بر پایه اقتصاد تولیدی شکل گرفته است. بر این اساس، نظام کشاورزی به عنوان زیرساختی اقتصادی در روستاها مطرح بوده و ویژگی‌های حاصل از آن علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و عامل فرهنگی، بطن و بستری برای خوانش منظر کلی روستا به‌شمار می‌رود. ارتباط کشاورزی با زیرساخت‌ها و منابع آبی، به منظر کشاورزی جهت بخشیده و حیات اقتصادی روستا و ساختار کلی شکل‌دهنده آن، تابع سلسله‌مراتبی از جهت‌گیری و نحوه حضور آب است (ناصری، ۱۳۹۷). همچنین سامه و سامه (۱۳۹۳، ۴۰) در وصف روستا به‌مثابه یک محیط و منظر، آورده است: «انسان از طریق آبادی‌گزیدن - محیطی را در یک منظر محدود کردن - موقعیت خویش را در محیط، طبیعی می‌کند و با تکیه بر آن، به مبادله اندیشه‌ها، احساسات و فرهنگ خویش با هم‌نوعان می‌پردازد. روستا در بستر خود، یک مرکز را نیز شامل می‌شود؛ مکانی که در آن زمین و آسمان برای آفرینش کلیتی پر جاذبه، در کنار یکدیگر نفوذ کرده باشند. این مرکز با افشا و پدیدآوری کیفیاتی که در لحظه حضور دارند، کانونی جهت تجلی حضور انسان در طبیعت برای ارائه یک منظر کالبدی تشکیل می‌دهد. برای اینکه یک روستا بتواند در این سطح ظاهر شود، باید متناسب با دورنما، بر پیکره پیرامون چیره شود. این همان کیفیتی است که شاید امکان فراخوانده شدن روستا تحت عنوان یک مقصد برای بازدید و گردش خودآگاه فراهم می‌کند. بنابراین اگر منظر به عنوان شاخص‌های بصری از روابط کلی انسان‌ها و محیط‌های طبیعی سرگذشتی از عوامل جغرافیایی و فرهنگی را بیان می‌دارد (Lewis, 1979, 12)، اکنون باید به معیارهای شناختی اشاره کرد که می‌توان از طریق آنها منظر روستا را بازشناسی نمود. به نظر می‌رسد شناخت و بررسی چهار مؤلفه شناختی «پیدایش»، «استقرار»، «کارکرد» و «ادراک ساکنین» بتواند در کشف سرگذشت منظر روستایی و خوانش نمادهای آن مفید باشد.

• بررسی سیر تاریخی و عوامل پیدایش روستا

شناخت روستا در بستر سیر تاریخی حیات اجتماعی انسان، گامی است در جهت شناخت مفهوم آن پدیده؛ زیرا شناخت ما از هر پدیده‌ای به درجه شناخت ما از فرایند تاریخی آن بستگی دارد (حبیبی، ۱۳۷۵). روستا، از قدیمی‌ترین واحدهای اجتماعی

قبیل غذا و محل اقامت و محصولات محلی از ساکنان محلی در مکانی که از نظر قوانین و مقررات کشور یا از نظر ماهیت اقتصادی و فرهنگی روستا محسوب شود (فراهانی و منوچهری، ۱۳۹۴، ۱۶۵). آنچه مورد توجه است آن است که گردشگری روستایی با رواج کسب‌وکارهای کوچک، سهم عمده‌ای در «متنوع‌سازی اقتصاد روستا و ایجاد اشتغال غیر کشاورزی» دارد و موجب بهبود سطح معیشت طبقه فقیر روستایی و تنفس زمین‌های کشاورزی می‌شود.

مؤلفه‌های شناختی منظر روستا

منظر روستایی گونه‌ای از منظر است که در روستا شکل می‌گیرد. منظر به‌مثابه یک دارایی مشترک برای موجودات زنده است که از یک‌سو محیط جغرافیایی و سرزمین را و از سوی دیگر گروه‌های انسانی موجود در آن مکان را شامل می‌شود. منظر در واقع مکانی است که ساکنانش در آن تفکر کرده و آن را زیستگاه می‌پندارند (دونادیو، ۱۳۹۲، ۳۶). بر پایه این تعریف، منظر روستا با جغرافیا و فرهنگ ارتباط مستقیم پیدا می‌کند. اگر نفوذ شهر در روستا در نظر گرفته نشود و روستا به عنوان تمدنی قبل از صنعتی شدن با طبقه‌بندی اجتماعی و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و دامداری فرض شود، هر آنچه در آن به شکل مصنوع ساخته می‌شود در سازگاری با الزامات طبیعی است (تصویر ۱). مهمترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده روستا را می‌توان «مکان یا محیطی طبیعی مانند موقعیت، وضع ناهمواری‌ها، آب‌وهوا و پوشش گیاهی»، «نحوه برپایی، دامنه و پیامدهای حاصل از فعالیت‌های گوناگون گروه‌های روستایی»، «فضا یا چشم‌انداز خاصی که نتیجه و سمبل فعالیت‌های خاص انسان در مکان معین است. این فضا نمایانگر نحوه استقرار خانه‌ها، شیوه بهره‌برداری از منابع، روابط مالکیت، نوع و دامنه تولید



تصویر ۱. همزمانی بادهای ۱۲۰ روزه سیستان و موعد برداشت سبب شده تا مردمان روستای نشتیفان در سازگاری با نیروی طبیعت منظر بدیعی خلق کنند که موجب تمایز چهره این روستا از آبادی‌های اطراف شود، روستای نشتیفان، خراسان رضوی. عکس: مرتضی همتی، ۱۳۹۷.

دفاع و امنیت، وجود منبع آب دائمی مثل چاه، چشمه و قنات، قومیت و توپوگرافی. روستاهای متمرکز در اکثر نقاط ایران وجود دارد. به عبارت دیگر، گونه غالب روستاها در ایران، روستاهای متمرکز و یا گردآمده است. این شکل استقرار در مناطق غربی، مرکزی، شمال و شمال شرقی، شرق و جنوب ایران به تعداد زیاد دیده می‌شود. در مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور، شاید یکی از علل عمده تشکیل روستاهای متمرکز وجود منابع آب باشد. به صورتی که این روستاها در کمترین فاصله ممکن از منابع آبی موجود بنا می‌شوند (زفروشان، ۱۳۵۴). از طرف دیگر، در گذشته مسأله دفاع در مقابل اشرار و حتی حیوانات وحشی امری اجتناب‌ناپذیر بوده و ایجاد امنیت، عموماً به‌وسیله اتکا به یکدیگر حاصل می‌شده و گاهی این تمرکز به‌حدی زیاد می‌شد که دور تا دور روستا دیوار می‌کشیدند و یا به‌عبارت دیگر، روستاهای قلعه‌ای به‌وجود می‌آمد که نمونه‌های آن را در مناطق مختلف کشور می‌توان مشاهده کرد. در شناخت گونه دوم یا روستاهای پراکنده، شکل و وسعت مزارع دخالت دارند، زیرا مزارع گسترده، سطوح وسیعی از اراضی را دربر می‌گیرد و به علت آنکه عوامل محدودکننده مورد پیشین در این روستاها وجود ندارد، روستاییان ترجیح می‌دهند که خانه‌های خود را در میان کشتزارهای خود بسازند. بنابراین در این شیوه، خانه‌ها در حدود مالکیتی مزارع ساخته می‌شوند که این امر موجب نزدیکی محل سکونت به مزارع و سهولت در تردد به مزرعه شده و همچنین اختیار در انتخاب نوع کشت را موجب می‌شود. این گونه روستاها، در مناطق محدودی از کشور وجود دارند و نمونه‌های آن را می‌توان در مناطق شمالی کشور، به‌خصوص در منطقه گیلان و حواشی آن مشاهده کرد. بنابراین به‌طور کلی، نحوه استقرار مکانی روستاها را می‌توان نمودی از شیوه ارتباط ساکنین با بستر طبیعی تفسیر کرد که در هر مکان با شکل طبیعت پیرامون خویش سازگار شده است.

• کارکردهای روستا

برای هر روستا، بسته به مورد می‌توان کارکردهای متنوعی را بیان کرد، اما به‌طور کلی می‌توان چهار کارکرد اصلی که میان عموم روستاها مشترک است، بیان نمود: «سکونت»، «معیشت»، «امنیت»، «اجتماع». سکونت، یکی از مفاهیم بنیادین در تمدن بشری است. اهمیت معنایی خانه در وجه اول، در ایجاد حس تثبیت و ثبات‌بخشی در کره خاکی است. تلاش افراد برای سکونت بیش از هر چیز ناشی از احساس نیاز معنوی به پیدا کردن نقطه‌ای برای اتکا در روی خاک و جهان هستی و برای نجات‌یافتن از معلق‌بودن و سرگشتگی پنهان است. حس تعلق به جا و مکان، اگرچه ظاهری فردی دارد، اما گروه‌ها و اقوام نیز تنها و تنها از راه تثبیت و تعلق‌یافتن به جا و مکان مشخص است که می‌توانند هویت و قدرت خود را تثبیت کنند (فاضلی، ۱۳۸۷، ۳۵). روستا پیش از هر چیز

و تشکیلاتی است که در آن گروه‌هایی از مردم روستایی برای همکاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرد هم تجمع یافته‌اند. پیدایش اولین سکونتگاه‌ها به آغاز عصر نوسنگی بازمی‌گردد. انسان نخستین با رواج کشاورزی به زندگی یکجانشینی پرداخت و در پی آن مفهوم «سکونت»، در بروز عینی خود موجب شکل‌گیری آبادی شد. در ایران نیز از دیرباز، روستا اساس زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد و اهمیت آن به اعتبار اینکه یک واحد تشکیلاتی در زندگی روستایی است، پیش از قرون وسطی و از آن پس تا به امروز برقرار بوده است (راهب، ۱۳۸۴، ۱۰۷). در بررسی پیدایش روستا، عمده‌ترین عوامل شکل‌گیری روستاها را می‌توان در دو دسته کالبدی و معنایی طبقه‌بندی کرد. البته قابل ذکر است، پیدایش یک روستا ممکن است تلفیقی از این عوامل باشند. دسته عوامل کالبدی شامل منابع حیاتی چون رودخانه، چشمه، خاک حاصل‌خیز، منابع معدنی و غیره است و دسته معنایی به مفاهیمی چون «امنیت» و «پیوندهای قومی» اشاره دارد که پایه‌های زندگی اجتماعی را به‌وجود می‌آورد. به‌طور کلی در غالب روستاهای ایران که شکلی متمرکز دارند، دلیل پیدایش، منابع آبی بوده است. چنانکه هر جا که آبی نمایان شده، اطراف آن اجتماع صورت گرفته است. البته ضرورت دفاع و ایجاد امنیت خصوصاً در برابر تهاجم راهزنان - که محصولات کشاورزان را غارت می‌کردند- نیز از عوامل مهم برای پیدایش چنین روستاهایی بوده است. از طرفی پیوندهای عمیق خویشاوندی که در جوامع خانوادگی وجود دارد، برای انسان - به‌عنوان موجودی اجتماعی - همبستگی‌های عمیق قومیتی ایجاد می‌کند که می‌تواند به عنوان یکی از عوامل بنیادین پیدایش روستاها تلقی شود.

• عوامل مؤثر در استقرار مکانی روستاها

عوامل گوناگونی در شکل‌گیری و نحوه استقرار مکانی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی دخالت دارند. عوامل مختلف طبیعی و فرهنگی به صورت مجموعه‌ای مرتبط و در رابطه متقابل با یکدیگر، هریک سهمی در ایجاد استقرار مکانی بر عهده می‌گیرند. به عبارتی همین عوامل طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی، نظامی، ارتباطی و مانند آن هستند که به یک سکونتگاه روستایی از نظر مکانی-فضایی تشدید می‌بخشد. به‌طور کلی می‌توان استقرار مکانی روستاها را براساس انتظام فضایی به دو دسته طبقه‌بندی کرد: «روستاهای متمرکز» و «روستاهای پراکنده». در شکل نخست، سکونتگاه‌های روستایی به یکدیگر چسبیده و چشم‌اندازی متمرکز و عموماً بدون فضای خالی در محدوده دارد. مزارع، که محل تولید روستاییان محسوب می‌شود، از خانه‌ها جدا و با فاصله از محل زندگی قرار دارند. عوامل مختلفی در شکل‌گیری این گونه از روستاها دخالت دارند که عمده‌ترین آنها عبارت است از: ضرورت امر



تصویر ۲. یکی از مثال‌های اقتصاد تک‌بعدی یا متنوع، روستای کیوپ در استان خوزستان است. زمین‌های کشاورزی و باغات میوه که در کنار رودخانه واقع شده‌اند، اقتصاد اصلی روستاییان را تشکیل می‌دهند. عدم جایگزین‌های اقتصادی و زیرساخت‌های غیرکشاورزی موجب شده است که این روستا در بحران‌های محیطی اقلیمی و اجتماعی، سازگاری کمی داشته باشد و هنگامی که کشاورزی به دلایل آب‌وهوایی ممکن نباشد، اجتماع روستایی دچار تنش می‌شود. همچنین عدم توسعه اقتصادی موجب شده که مردمان روستا برای تأمین زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی ابتدایی لازم، دچار مشکل شوند و کودکان و جوانان روستا برای تحصیل یا کار از روستا مهاجرت موقت داشته باشند. منظر این روستا تحت تأثیر جغرافیا و معیشت و فرهنگ این روستا، با خروج جوانان و نیروی کار فعال فاقد جنب‌وجوش و سرزندگی است، روستای کیوپ، خوزستان. عکس: مرتضی همتی، ۱۳۹۰.

برای از میان برداشتن موانع و تهدیداتی با منشأ طبیعی و یا انسانی کار دشوارتری خواهد داشت. بنابراین روستا به عنوان زیستگاهی جمعی، بستری فراهم می‌کند که ایجاد تمهیدات امنیتی را ممکن می‌سازد. ایجاد روستاهایی با فرم قلعه، مانند مورچه‌خورت و یا ساخت شهرهای زیرزمینی چون نوشاباد، از نمونه‌های این کارکرد است. کارکرد دیگر «اجتماع» است. علاوه بر مباحث مطرح‌شده، روستا مکانی است که به وجه اجتماعی ساکنان امکان بروز می‌دهد و رشد و تعالی معنوی ابعاد اجتماعی وی را فراهم می‌کند.

• ادراک فرهنگ عامه از روستا

بسیاری از آداب و رسوم زندگی مردم، ریشه مذهبی، تاریخی و اسطوره‌ای دارد و عموم آنان در پی تقویت اخلاق و منش‌های متعالی انسانی است. ادبیات عامیانه، دنیای رنگارنگی است که بخش‌های مختلف زندگی مردم را بازخوانی می‌کند و آنچه در ضمیر ناخودآگاه قوم‌ها و جمعیت‌های مختلف است، نمایان می‌سازد. ادبیات عامیانه انعکاس باورها، دردها، شادی‌ها، بایدها و نبایدهایی است که در گذر زمان در قالب قصه‌ها، افسانه‌ها، شعرها و مثل‌ها نمود یافته است. حضور در جمع مردم و مطالعه نوع زندگی و عقاید اجتماعی آنان، فرصت بازخوانی شیوه زندگی و فعالیت برای تقویت زیرساخت‌های مطلوب و مفید را فراهم می‌کند (جعفری، عباسی و خیراندیش، ۱۳۹۶). در بافت سنتی

فضایی در محدوده هستی که سکونت‌پذیر است، به روستاییان ارائه می‌دهد. این فضا واجد ویژگی‌هایی است که دستیابی به نیازهای حیاتی - آب، خوراک و غیره- وی را ممکن می‌سازد. بنابراین روستا به عنوان مکان سکونت به واسطه‌ای برای تأمین مایحتاج بنیادین بشر بدل می‌شود.

کارکرد دوم «معیشت» است که در امتداد کارکرد سکونت قرار می‌گیرد. چنانکه یکی از اساس‌های یکجانشینی بشر در روستا، شکل معیشتی وی است. معیشت روستاهای ایران عموماً بر پایه کشاورزی و دامداری است که سال‌ها شکل پایداری از زندگی برای ساکنین آن فراهم می‌کرد. توسعه روستایی پایدار به فرایند همه‌جانبه و پایداری اشاره می‌کند که در چارچوب آن توانایی‌های اجتماعات روستایی در راستای رفع نیازهای مادی و معنوی و کنترل مؤثر بر نیروهای شکل‌دهنده نظام سکونت محلی (اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی) رشد و تعالی می‌یابد (قاسمی، ۱۳۸۸، ۲۲۱). پژوهش‌های مختلف نشان داده که یکی از رویکردهایی که امروزه در چارچوب توسعه پایدار روستایی و پایداری اقتصاد سکونت‌گاه‌های روستایی مطرح است، رویکرد «متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی» است. اعتقاد کلی بر این است که «تنوع»، شالوده و اساس ثبات و پایداری است و هر اندازه سیستمی متنوع‌تر شود، پایداری و پویایی آن در طول زمان و در مکان‌های مختلف، نه تنها در مقابل تنش‌های درونی، بلکه در مقابل تنش‌های بیرونی نیز حفظ می‌شود (کریم‌زاده، ولایی و منافی‌آذر، ۱۳۹۵، ۱۳۲).

چنانکه وجود تنوع و چندسانی اقتصادی موجب می‌شود در هنگام بحران، گزینه‌های بیشتری پیش روی باشد و از طرفی سیستم -در اینجا روستا- را برای مواجهه با طیف گسترده‌تری از شرایط پیش‌بینی نشده آماده می‌کند (تصویر ۲). با این حال، اگرچه گردشگری به عنوان یک مکمل برای اقتصاد روستا مطرح شد، اما به آن معنا نیست که تمام روستاها قابلیت تبدیل به منظر گردشگری داشته باشند، بلکه این مهم تنها زمانی روی می‌دهد که آن محیط بتواند به شایستگی بر محدودیت‌هایش غلبه کند. چنانکه سامه می‌گوید: «امروزه شایستگی یک روستا به عنوان مقصد گردشگری، نه صرفاً به مؤلفه‌های ارزشمندی آن، بلکه به تمام قابلیت‌هایی وابسته است که آن را از سایر نمونه‌ها ممتاز می‌کند. بنابراین تمام گونه‌های روستایی علی‌رغم احراز آن ویژگی‌ها، فرصت لازم در امر گردشگری را نمی‌یابند. از این‌رو، امر گردشگری در روستاها قابل تعمیم به تمامی نمونه‌های واجد ارزش نبوده، بلکه متوجه بروز چنین شایستگی‌هایی یا بسته به رویکرد، متناسب با امر گردشگری است» (سامه، ۱۳۸۸، ۷۶).

کارکرد بنیادین دیگر روستاها کارکرد «امنیت» است. بشر به تجربه دریافته است که اگر شرایطی فراهم شود و بتواند سکونت و معیشت خویش را دور از هموعان خود بر پا کند،

این مشخصه‌های هویتی منظر، در مصادیقی چون مراسم و آئین‌های مذهبی، اسطوره‌ها، باورها و دیگر نموده‌های هویتی و فرهنگی بروز می‌یابد که اگرچه دارای فیزیک نیستند، ولی نقش بی‌بدیلی در هویت ساکنین ایفا می‌کنند. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که منظر روستا باید به عنوان یک کل غیرقابل تفکیک انگاشته شود که در آن تمامی مفاهیم ذهنی و نموده‌های فیزیکی همزمان و یکپارچه ظهور می‌یابد. بنابراین هنگامی که از حفظ و توسعه منظر روستا سخن به میان می‌آید، مقصود نگهداری و گسترش کالبد روستا صرفاً به صورت تاریخی آن نیست، بلکه همراه آن باید زندگی جمعی روستاییان با تمام نموده‌های فرهنگی‌اش حفظ و اشاعه گردد. به عبارتی منظر روستا قابل تفکیک از زیست ساکنین آن نیست (تصاویر ۳ و ۴).



تصویر ۳. در اورمان تخت مراسم خاص و آداب ویژه‌ای برای شخصیتی تاریخی - اسطوره‌ای به نام «پیر شالیار» برگزار می‌شود که مردم به آن «عروسی پیر شالیار» می‌گویند که نشان از باورهای آیینی عمیق در فرهنگ عامه این بوم دارد، روستای اورمان، کردستان. مأخذ: www.ilna.news



تصویر ۴. یکی دیگر از مراسم شاخص در روستاهای اورمان، مراسم نوروز در روستای کردنشین پالنگان است که منظره‌ای از آیینی باستانی پدید می‌آورد که نشان از تداوم باور کهن ساکنین این روستا به زمان دارد. در این مراسم، ساکنین به صورت نمادین نور خورشید را به خانه‌های خود می‌آورند تا از روشنی و گرمی سرشار شوند، روستای پالنگان، کردستان. مأخذ: www.irna.ir

روستا، منظر کشاورزی متشکل از زمین‌های کشاورزی بوده که علاوه بر شکل‌دهی به حیات و معیشت روستا، به‌عنوان مؤلفه‌ای مؤثر بر نحوه خوانش منظر روستا مطرح بوده و نقش به‌سزایی در ادراک مخاطبان از زیرساخت‌های اقتصادی روستا و سطح معیشت آنان دارد. همچنین مناظر کشاورزی، مهم‌ترین وجه تمایز منظر ورودی روستاها، با منظر ورودی شهرها محسوب می‌شوند. گردشگری روستایی نیز دارای ابعاد مختلف طبیعی-اکولوژیک، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی-فضایی، و نهادی-مدیریتی است (پورروحانی، پورجعفر و یدقار، ۱۳۹۵، ۱۱۶). رویکرد منظر در قرن اخیر تحت عنوان رویکردی کل‌نگر، برای ترمیم رابطه مخدوش‌شده انسان و طبیعت شکل گرفت. با توجه به مفهوم منظر، به عنوان پدیده‌ای که حاصل ادراک انسان از محیط و تفسیر توأمان ذهن است (ماهان و منصور، ۱۳۹۶، ۲۱)، می‌توان به روستا نیز به‌مثابه نوع خاصی از منظر توجه کرد که مشخصه‌های مختلف آن از جمله ویژگی‌های طبیعی و شاخصه‌های معنایی، در جهت فراهم‌آوری امکان سکونت انسان و در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند. بر این اساس، منظر روستا ادغامی یکپارچه از عینیات کالبدی و ظاهری روستا در کنار مفاهیم معنایی اجتماع ساکن در آن است. مناظر روستایی به عنوان یک نقطه اجتماعی متصل به طبیعت، واجد ویژگی‌های بصری و معنایی مشترکی هستند. می‌توان این مناظر را از دو جهت بررسی کرد. بُعد اول، بررسی ادراک مخاطب از ویژگی‌های بصری روستا و بُعد دوم که بر خصوصیات هویتی منحصر به هر روستا متناظر است. بر این اساس، این دو بُعد را می‌توان این‌گونه تشریح کرد:

الف. بعد اول ادراکی است که در خلال آن تصویر و شاکله کلی روستا نمایان می‌شود. این سیمای کلی متشکل از بستر زمین، آسمان و افق، می‌تواند سیلوئت (خط آسمان) و منظر اولیه روستا به‌شمار آید. در ادامه سیما و ساختار روشن‌تر منظر روستا مشاهده می‌شود. سپس در طی سلسله‌مراتب رسیدن به روستا، مراتع، مزارع و باغ‌ها، بافت کلی و جلوه‌های ظاهری، ساختمان‌ها و ترکیب مصالح عمده شناخت شده و برخی اجزای منظر درک می‌شوند (تقوایی، ۱۳۹۲، ۲۶). این نمایش منظر روستا، اولین تصویری است که برای معرفی و شناخت کلی به مخاطب ارائه می‌شود. تصویر کلی نشان‌دهنده «ابعاد ملموس» روستاست که در پیوند با عوامل متعددی مانند معیشت، زیست و راه ارتباطی میان این دو، شکل پذیرفته است (ناصری، ۱۳۹۷).

ب. بُعد دوم منظر روستایی را مؤلفه‌هایی شکل می‌دهند که نشأت‌گرفته از بوم و هویت منحصر به فرد هر روستاست و «ابعاد ناملموس» روستا نامیده می‌شوند. این مؤلفه‌های غیرفیزیکی تحت تأثیر عواملی چون اقلیم، مشخصه‌های بومی و ویژگی‌های محلی، در هر پهنه از محیط متفاوت بوده و تفاوت و تنوع میان آنها، معرف هویت کلی روستاست.

نتیجه گیری

منظر روستا ادغامی یکپارچه از عینیات کالبدی و ظاهری روستا در کنار مفاهیم معنایی اجتماع ساکن در آن است. باید توجه داشت بی توجهی به هر کدام از این دو وجه، موجب مخدوش شدن منظر خواهد شد. همچنین در این بخش موضوعی به عنوان بحث جزئی تحت عنوان متنوع سازی اقتصاد روستا مطرح شد که به الزام و اهمیت وجود جایگزین های اقتصادی و غیر کشاورزی -مانند گردشگری- در توسعه پایدار روستاها می پرداخت. همچنین به نظر می رسد شناخت و بررسی چهار مؤلفه شناختی «پیدایش»، «استقرار»، «کارکرد» و «ادراک ساکنین»، بتواند در کشف سرگذشت منظر روستایی و خوانش نمادهای آن الگویی به دست دهد که فرایند شناختی دقیق تری از منظر روستا به دست آید و بستری برای گردشگری روستایی فراهم آورد (جدول ۱).

زندگی روستایی با تأکید بر ارتباط پایدار بین زندگی انسانی و طبیعت شکل گرفته است. سکونت و معیشت با مؤلفه های طبیعی همخوانی بالایی دارد و عناصر فرهنگی متمایزی در این گونه های فضایی مشاهده می شود. اگر چه نمی توان برای قدمت گردشگری روستایی عدد دقیقی بیان کرد، ولی می توان با اطمینان از قرن اخیر برای بدل شدن آن به یک جریان مداوم نام برد. بنابراین گردشگری روستایی به صورت یک مبحث سازمان یافته برای «توسعه» روستایی، موضوع جدیدی است که ابعاد متنوع و گوناگون آن باید شناخته شود. رویکرد منظر به عنوان رویکردی کل نگر که در تلاش برای بازسازی رابطه مخدوش شده انسان و طبیعت است، می تواند در گردشگری روستایی مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس،

جدول ۱. مؤلفه های شناختی گردشگری روستایی با رویکرد منظر، مأخذ: نگارنده.

پیدایش	سکونت	رواج کشاورزی، ضرورت نگهداری از مزارع و یکجانشینی انسان
منابع حیاتی	وجود رودخانه، چشمه، خاک حاصلخیز، منابع معدنی و...	امنیت
امنیت	ضرورت دفاع در برابر متخاصمان، غارتگران و راهزنان	پيوندهای قومی
پيوندهای قومی	میل انسان به اجتماع و تشکیل پیوندهای عمیق خویشاوندی	روستاهای متمرکز
استقرار	دسترسی محدود به منابع آبی، مزارع جدا از خانه ها و با فاصله از محل زندگی، خانه ها نزدیک به هم، چشم اندازی متراکم	روستاهای پراکنده
روستاهای پراکنده	دسترسی بیشتر به منابع آبی، خانه ها در حدود مالکیتی مزارع، نزدیکی سکونت و معیشت، چشم اندازی پراکنده	سکونت
سکونت	حس تثبیت و ثبات بخشی در کره خاکی، تأمین مایحتاج مادی	معیشت
معیشت	در امتداد سکونت، رفع بخشی دیگر از نیازهای مادی و معنوی ساکنین	اجتماع
اجتماع	پاسخگویی به ابعاد اجتماعی انسان در رشد و تکامل معنوی وی	ابعاد ملموس
ابعاد ملموس	ابعاد بصری و کالبدی هویتی روستا مانند دانه ها، راه، مزارع و...	ابعاد ناملموس
ابعاد ناملموس	ابعاد غیرفیزیکی هویتی روستا مانند آیین ها، اسطوره ها، باورها و...	

مؤلفه های شناختی گردشگری روستایی

فهرست منابع

شفاهی و فرهنگ عامه روستای کندازی مروست فارس. سومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت های فرهنگی و اجتماعی جامعه.

• حبیبی، محسن. (۱۳۷۵). *از شار تا شهر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

• خاتون آبادی، سیداحمد و راست قلم، مهدی. (۱۳۹۰). *سنجش ارکان چهارگانه گردشگری روستایی با استفاده از تکنیک SWOT مطالعه موردی: روستاهای هدف گردشگری استان چهارمحال و بختیاری. اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)*، ۲۵(۳)، ۳۳۰-۳۳۸.

• دونادیو، پیر. (۱۳۹۲). *منظر به مثابه دارایی مشترک*. منظر، ۵(۲۳)، ۳۶-۳۸.

• راهب، غزال. (۱۳۸۶). *درنگی در مفهوم روستا. محیط شناسی*، ۳۳(۴۱)، ۱۰۵-۱۰۹.

• انوری، محمدرضا؛ بلوچی، عثمان و هاشمزی، ابراهیم. (۱۳۹۱). *نقش محوری گردشگری روستایی در توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی: روستاهای ناحیه تفتان، شهرستان خاش. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ۳(۹ و ۱۰)، ۶۷-۸۶.

• پورروحانی، ماجده؛ پورجعفر، محمدرضا و یدقار، علی. (۱۳۹۵). *اهداف، ارکان و الزامات برنامه ریزی گردشگری روستایی با تأکید بر بوم-گردشگری (نمونه مطالعاتی: روستای شیاده، شهرستان بابل)*. مسکن و محیط روستا، ۳۵(۱۵۵)، ۱۰۹-۱۲۶.

• تقوایی، سیدحسن. (۱۳۹۲). *منظر روستایی و جلوه های پرداخت محیط طبیعی*. مسکن و محیط روستا، ۷(۱۴۳)، ۲۰-۳۸.

• جعفری، هرمز؛ عباسی، حجت و خیراندیش، مهدی. (۱۳۹۶). *بررسی ادبیات*

- ناصری، سینا. (۱۳۹۷). بررسی منظر روستایی استان کرمان به عنوان میراثی در خطر. منظر بومی کرمان: یافته‌های اکتشافی سفر پژوهشگران منظر. تهران: انتشارات پژوهشکده نظر.
- Adeyinka-Ojo, S. F., Khoo-Lattimore, C. & Nair, V. (2014) A Framework for Rural Tourism Destination Management and Marketing Organizations. *Social and Behavioral Sciences*, (144), 151-163.
- Ayazlar, G. & Ayazlar, R. A. (2015). Rural Tourism: A Conceptual Approach. In C. Avcikurt, M. Dinu, N. Hacıoglu, R. Efe, A. Soykan (Eds.), *Tourism, Environment and Sustainability*. Sofia: St. Kliment Ohridski University Press.
- Dashper, K. (2014). *Rural Tourism: An International Perspective*. Newcastle: Cambridge Scholars Publishing.
- Kostas, E. (2002) *Rural Tourism: An Opportunity for Sustainable Development of Rural Areas*. Retrieved April 15, 2018 from <http://www.sillignakis.com>.
- Lewis, P. (1979). Axioms for reading the landscape. In D. Meinig (Ed.), *The Interpretation of Ordinary Landscapes: Geographical Essays*. New York: Oxford University Press.
- Soltani Moqadas, R. (2018). The Role of Rural Tourism in Sustainable Rural Development: A Case Study of Shandiz Rural Region, Khorasan Razavi Province, Iran. *Journal of Sustainable Rural Development*, 2(1-2), 61-76.
- Villanueva-Álvaro, J., Mondéjar-Jiménez, J. & Sáez-Martínez, F. (2017). Rural Tourism: Development, Management and Sustainability in Rural Establishments. *Sustainability*, 9(5), 818.
- زرفروشان، احد. (۱۳۵۴). تیپ‌شناسی روستایی. تبریز: نوبل.
- سامه، رضا. (۱۳۸۸). گردشگری و قابلیت‌های روستا. منظر، (۵۱)، ۷۶-۷۸.
- سامه، رضا و سامه، آسیه. (۱۳۹۳). بن‌مایه‌های محیطی و منظرین: انگیزه توسعه گردشگری روستایی. منظر، (۲۹)۶، ۴۰-۴۵.
- شریف‌زاده، ابوالقاسم و مراد نژادی، همایون. (۱۳۸۱). توسعه پایدار و توریسم روستایی. جهاد، (۲۵۰ و ۲۵۱)، ۵۲-۶۳.
- عطازاده، ابراهیم و محمودی زندی، مهناز. (۱۳۹۶). بررسی چگونگی تأثیر طراحی محیطی بومی بر گردشگری روستایی (نمونه موردی: منطقه ارس). پژوهش در علوم، مهندسی و فناوری، (۳)۳، ۱۸-۳۵.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۷). مدرنیته و مسکن (رویکرد مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن). تحقیقات فرهنگی، (۱)۱، ۲۵-۶۳.
- فراهانی، حسین و منوچهری، سوران. (۱۳۹۴). شناسایی موانع و مشکلات توسعه گردشگری در نواحی روستایی هدف گردشگری غرب شهرستان میوان. پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، (۱)۴، ۱۶۱-۱۷۲.
- قاسمی، ایرج. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی کالبدی حوزه‌های گردشگری روستایی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- کریم‌زاده، حسین؛ ولایی، محمد و منافی آذر، رضا. (۱۳۹۵). نقش تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها در پایداری اقتصاد روستایی، مطالعه موردی: دهستان مرحمت‌آباد میانی، شهرستان میان‌دوآب. آمایش جغرافیایی فضا، (۲۰)۶، ۱۲۹-۱۴۴.
- ماهان، امین و منصور، سیدامیر. (۱۳۹۶). مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف. باغ نظر، (۴۷)۱۴، ۱۷-۲۸.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

همتی، مرتضی. (۱۳۹۹). تبیین الگوی شناختی گردشگری روستایی با رویکرد منظر. گردشگری فرهنگ، (۲)۱، ۳۹-۴۶.



DOI: 10.22034/toc.2020.243927.1019

URL: http://www.toc-sj.com/article_115509.htm